



الهیات عملی در قصص قرآن با رویکرد توصیفی و تفسیری: بررسی موردی قصه‌های یوسف (ع) و موسی (ع)

سید محمدرضا میرسید^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

چکیده

از آنجا که توصیف و تفسیر رفتارهای اجتماعی متدینان از وظایف متألهان الهیات عملی به شمار می‌رود، بنابراین جای این پرسش است که «از منظر الهیات عملی، اعمال و رفتار شخصیت‌های قصه‌های قرآنی چگونه قابل توصیف و تفسیر است؟» زیرا بحث و تفسیر این نوع رفتارها می‌تواند در تبیین برخی اصول، مبانی و غایات الهیات عملی در جهان اسلام بسیار راهگشا باشد. از این رو در این نوشتار، برخی رفتارهای اجتماعی دو شخصیت برجسته قرآنی (حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع)) بر اساس آیات قرآن توصیف و تفسیر شده و برای این منظور از روایات معصومان (ع) و دیدگاه‌های مفسران نیز استفاده شده است. از جمله نتایج این پژوهش این است که هرچند انگیزه اصلی رفتارهای پیامبران الهی کسب رضایت خداوند سبحان بوده است، لیکن روش‌ها و اهداف نزدیک آنها در موقعیت‌های مختلف با هم متفاوت است. برای نمونه، حضرت یوسف (ع) با بهره‌گیری از فرصت تعبیر خواب دو زندانی، اصول دین ابراهیمی را تبیین و تبلیغ می‌کند؛ با پذیرش مسئولیت خزانهداری نقش مؤثر خود را در نجات مردم از قحطی و گرسنگی ایفا می‌نماید؛ با برنشمردن خطاهای برادرانش عظمت عفو و گذشت را نمایان می‌سازد. حضرت موسی (ع) نیز با فریادرسای فرد مظلوم و مساعدت فرزندان حضرت شعیب (ع) به یاری ناتوانان می‌شتابد و با آزادسازی بنی‌اسرائیل از دست فرعونیان زمینه عبودیت خداوند را فراهم می‌نماید و با سوزاندن گوساله سامری ضعف و ناتوانی خدای دروغین را اثبات می‌کند تا قوم خود را از گمراهی نجات دهد.

کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، قصص قرآن، حضرت یوسف، حضرت موسی، رویکرد توصیفی-تفسیری

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران. (mirsayyed@du.ac.ir)



The Study of Practical Theology in the Quranic Stories through Descriptive and Interpretive Approaches: The Case Studies of Joseph and Moses Stories

Seyyed Mohammad Reza Mirseyyed¹

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

Abstract

Since the description and explanation of the pious people's social behaviors are known as the duties of the theologians of practical theology, a question is raised from the perspective of practical theology, how we can describe and explain the behaviors of the characters of the Quranic stories. Undoubtedly, it can help us in explanation of some principles, basics, and objectives of practical theology in the Islamic world. In doing so, in this paper, some behaviors of two significant Quranic characters, namely Joseph and Moses have been described and explained on the basis of the Quranic verses, Imamites traditions, and the commentators' views. The findings indicate that although the main intention of prophets was Allah's satisfaction, they used different methods according to their specific goals. For example, by interpreting the dreams of two prisoners, Joseph attempted to explain the principles of religion; through accepting the responsibility of keeping the treasury, he played a key role in rescuing people from famine and hunger; or by neglecting his brothers' faults, he revealed the magnificence of forgiveness. Moses also through helping a weak person and Jethro's daughters, showed the importance of helping others; through releasing the Israelites from Pharaoh, paved the way for Allah's servitude; and by burning the golden calf in fire, he proved the weakness of the false gods to rescue his people from aberration.

Keywords

Practical Theology, Quranic Stories, Joseph, Moses, Descriptive and Interpretive Approaches

1. Assistant Professor, Islamic Teachings Department, Damghan University, Damghan, Iran. (mirsayyed@du.ac.ir)

۱. مقدمه

پژوهشگران الهیات عملی را به حوزه‌ای از مطالعات تعریف کرده‌اند که در آن باورها، سنت‌ها و رفتارهای دینی با تجربیات و دغدغه‌ها و رفتارهای معاصر انسانی تلاقی می‌کند و حاصل آن ارتباط غنای الهیاتی، نقد علمی و تحول فرهنگی است (بابایی ۱۳۹۱، ۱۱۴). از آنجا که الهیات نظری دیرزمانی است با چالش‌های مختلف علمی و فلسفی مواجه شده لذا متکلمان و متألهان در صدد برآمدند، با بازتعریف وظایف حاکمان دینی و متدینان و تشویق آنان به ایجاد روابط مؤثر با اقشار مختلف مردم با رویکرد جذب حداکثری، به ویژه از طریق اخلاق و رفتار مناسب با تأمین نیازهای عامه مردم، موجبات توسعه و ارتقای الهیات عملی را فراهم آورند (بابایی ۱۳۹۱).

مباحث و مسائل این شاخه از الهیات فقط نخبگان یا طبقه خاصی از متدینان را در بر نمی‌گیرد، بلکه در همه ادیان ابراهیمی به ویژه دین اسلام نیز قابل ردیابی و پیگیری است و در این مسیر حتماً باید اصول و مبانی دینی آنان به ویژه رهنمودهای کتاب مقدس آنان یعنی قرآن مورد ملاحظه قرار گیرد. زیرا از نظر مسلمانان زمانی یک عمل و رفتار دینی ارزشمند است که مؤیداتی در قرآن نیز داشته باشد. از این رو پرسش اصلی این پژوهش این است که «در قرآن کریم، به ویژه در قصص آن، کدام اعمال و رفتار می‌تواند به عنوان نمونه و مصادیقی از الهیات عملی مورد توصیف و تفسیر قرار گیرد؟»

در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از آیات قرآن، روایات معصومان (ع) و دیدگاه‌های مفسران، برخی رفتارهای خیرخواهانه یوسف (ع) و موسی (ع) از منظر الهیات عملی مورد تفسیر و تحلیل قرار گرفته که به اختصار به آنها پرداخته می‌شود.

۲. کمک به نیازمندان

قرآن کریم درباره یوسف (ع) به ماجرای اشاره می‌کند که در آن دو نفر زندانی از او خواستند که خوابشان را تعبیر کند. یکی در خواب دانه‌های انگور فشرده بود، دیگری هم روی سرش ظرف غذایی بود که پرندگان از آن می‌خوردند (یوسف، ۳۷). یوسف (ع) بلافاصله خوابشان را تعبیر نکرد، زیرا می‌دانست تعبیر یکی از خواب‌ها غم‌انگیز است. به همین خاطر با طرح مسائل اعتقادی تعبیر را به تأخیر انداخت (طیب ۱۳۷۸، ۷: ۱۹۴). در واقع، یوسف (ع) از این فرصت برای تبیین و تبلیغ سه اصل توحید، نبوت و معاد که اصلی‌ترین پایه‌های ادیان ابراهیمی است استفاده کرد (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۱: ۲۳۴).

به علاوه، یوسف (ع) از مریض‌ها پرستاری می‌کرد، حوائج نیازمندان را برمی‌آورد و به زندانیان جا می‌داد (بحرانی ۱۴۱۶، ۳: ۱۷۱). به محتاجان قرض می‌داد و ناتوانان را کمک می‌نمود (کلینی ۱۴۰۷، ۲: ۶۳۷؛ طبرسی ۱۳۶۰، ۱۲: ۲۱۷). به خاطر همین سیمایش نورانی بود و زندانیان هم از او به عنوان فرد نیکوکار یاد می‌کردند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۱: ۲۳۴).

بنابراین از آیات قرآن و روایات معصومان (ع) چنین برمی‌آید که یوسف (ع) علاوه بر نیت خیرخواهانه در رفتارهای خود، عواطف و شرایط روحی و روانی مخاطبان را هم مورد ملاحظه قرار می‌داده و در صدد تصحیح اندیشه و اعتقادات آنها نیز برمی‌آمده است. نکته بسیار حائز اهمیت از نظر الهیات عملی این است که صرف عمل خیرخواهانه کافی نیست، بلکه باید نیازهای اصلی‌تر نیز مورد ملاحظه قرار گیرد.

۳. فریادرسی مظلوم

بر اساس قرآن کریم (قصص، ۱۵-۱۹) و روایتی از امام رضا (ع)، موسی (ع) دو نفر را دید که یکدیگر را می‌زدند، یکی از پیروانش و یکی از دشمنانش، دشمن را به حکم خدای تعالی دفع کرد، و لطمه‌ای به او زد که منجر به مرگش شد. موسی آن شب را با ترس و نگرانی به صبح رسانید. ناگهان همان مرد دیروزی باز او را به کمک طلبید، موسی گفت: تو به راستی مردی گمراه آشکاری، دیروز با مردی دعوا کردی، امروز با این مرد دعوا می‌کنی، سوگند که تو را ادب خواهم کرد (ابن بابویه ۱۳۷۸، ۱: ۱۹۸). علامه طباطبایی ضمن تفسیر آیات مذکور بر امور ذیل نیز صحنه می‌گذارد که اولاً یاری مظلوم وظیفه همگان است؛ ثانیاً مظلومان هم نباید به دنبال ایجاد گرفتاری و دردسر باشند؛ ثالثاً مظلومانی که به حد خود قانع نیستند باید مورد نصیحت و حتی توبیخ واقع شوند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۶: ۲۹-۳۰). موارد فوق نیز از موارد مهمی است که متألهان الهیات عملی باید در هنگام اتخاذ روش مناسب در یاری رساندن به مظلومان به آنها توجه نمایند.

۴. عفو و گذشت

از دیگر نقاط برجسته داستان یوسف (ع) لحظه مواجهه او با برادران خطاکار است. زیرا یوسف (ع) نه تنها آنها را تنبیه نکرد که از یادآوری و شمارش خطاهایشان نیز جلوگیری کرد و حتی برای آنان دعا نیز نمود و به آنان گفت: «امروز بر شما سرزنی نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است» (یوسف، ۹۱). مفسران معتقدند که این

سخن یوسف (ع) عظمت گذشت و اغماض او از انتقام را می‌رساند (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۱: ۳۲۳). این نهایت بزرگواری یوسف (ع) است (مکارم و همکاران ۱۳۷۱، ۱۰: ۶۴). البته به احتمال زیاد یوسف (ع) ملاحظه این جنبه را نیز کرده است که اگر برادران را تنبیه کند هم نظام خانواده‌اش که بعد از مدتی دور هم جمع شده بودند از هم می‌پاشد و هم ارتباط او با برادران چه بسا به تیرگی می‌کشد و خدای ناکرده ممکن است سبب افزایش حسادت و انتقام نیز گردد. بنابراین یک حکیم متأله باید متوجه باشد که برای رسیدن به جایگاه یک مبلغ دینی نه تنها روش و منش بزرگوارانه و مشفقانه لازم است که باید مواظب پل‌های ارتباطی باشد و در بهسازی و تحکیم آنها نیز بکوشد.

۵. یاری ناتوانان

قرآن کریم (قصص، ۲۳-۲۴) به ماجرای یاری رساندن موسی (ع) به دختران شعیب (ع) اشاره کرده است که در آن موسی (ع) در نزدیکی شهر مدین دو دختر ضعیف می‌بیند که با خود رمه‌ای گوسفند دارند و نیازمند یاری‌اند. موسی با سیراب کردن گوسفندانشان به آنها کمک می‌کند (ابن بابویه ۱۳۸۰، ۱۵۰). این عمل موسی (ع) سبب ارتباط مبتنی بر عقلانیت و اخلاق می‌شود و دین و دنیای موسی (ع) را در ابعاد مختلف سامان می‌دهد (مکارم و همکاران ۱۳۷۱، ۱۶: ۶۱). نکته مهم این داستان این است که رفتارهای ناظر بر الهیات عملی فقط برای دیگران مثمر ثمر نیست، چه بسا زندگی شخص عمل‌کننده را نیز تحت تأثیرات عمیق و وسیع قرار دهد.

۶. نجات مردم از قحطی

بر اساس قرآن، یوسف (ع) خواب پادشاه که در آن هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را می‌خورند و هفت خوشه خشک هفت خوشه سبز را نابود می‌کنند به عالی‌ترین صورت تعبیر کرد (مکارم و دیگران ۱۳۷۱، ۹: ۴۲۶). حتی روش‌های آمادگی برای روبه‌رو شدن با سال‌های پرمحصولی و قحطی را نیز متذکر شد، در حالی که می‌توانست قبل از تعبیر خواب با استفاده از فرصت پیش‌آمده حداقل در مورد آزادی خود اقدام نماید (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۱: ۲۶۲). او به آنان فرمود: «هفت سال پی در پی بکارید، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می‌خورید- در خوشه‌اش واگذارید. آنگاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که باید از ذخیره‌ها بخورید. سپس، سالی فرامی‌رسد که باران فراوان می‌بارد» (یوسف، ۴۷-۴۹). بعد از این که پادشاه گفت امروز نزد ما صاحب مکانت و امین هستی.

یوسف (ع) گفت: مرا بر خزاین این سرزمین بگمار که من نگهبانی دانایم (یوسف، ۵۳-۵۴).

طبق روایات معصومان (ع)، غرض یوسف (ع) از پذیرش مسئولیت خزانه‌داری نجات مردم از قحطی و گرسنگی آن‌هم در جهت رضایت خداوند و فرامین الهی بوده است. شاهد این تفسیر (بیان چرایی) روایتی از امام رضا (ع) است که در بخشی از آن از قول یوسف (ع) می‌فرماید:

من ایشان را از گرسنگی نجات ندادم تا مالکشان شوم، و اصلاحشان نکردم تا فاسدشان کنم و نجاتشان ندادم تا خود بلای جان آنان باشم، لیکن خداوند به دست من نجاتشان داد ... من خدا و تو [پادشاه] را شاهد می‌گیرم که تمامی اهل مصر را آزاد کرده و اموال ایشان را به ایشان برگرداندم. (بحرانی ۱۴۱۶، ۲: ۲۵۲)

روایت کاملاً گویاست که انگیزه یوسف (ع) از تسلط بر خزانه رسیدن به قدرت و مطامع سیاسی دنیوی نبوده، بلکه ابزاری برای حفظ دارایی‌های مردم در روزهای قحطی و گرسنگی بوده است.

۷. آزادسازی مردم از سلطه ستمگران

قرآن کریم می‌فرماید:

و (نیز به یاد آورید) آن زمان که شما را از چنگال فرعونیان رهایی بخشیدیم که همواره شما را به بدترین صورت آزار می‌دادند: پسران شما را سر می‌بردند و زنان شما را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشتند. و در اینها، آزمایش بزرگی از طرف پروردگارتان برای شما بود. (بقره، ۴۹)

بر اساس روایات، فرعون همچنین مردهای آنان را نیز به بردگی کشیده و وادار می‌کرد که بر نردبان‌ها گل حمل کنند (گنابادی ۱۳۷۲، ۱۳: ۱۷۵). قرآن تلاش‌های موسی (ع) برای نجات بنی‌اسرائیل را در سوره‌های قصص، طه، بقره و... گزارش کرده است که از منظر الهیات عملی بسیار ارزشمند است، چون می‌تواند ملاک و معیار مناسبی برای ارزش‌سنجی رفتارهای سیاسی متدینان و حاکمان دینی باشد، رفتارهایی که به حقوق اساسی ملت‌ها مرتبط است، مانند حق آزادی و حق برخورداری از نعمت‌های الهی در پرتو حکومت و سیاست عادلانه.

۸. مبارزه با شرک و خرافه‌پرستی

حضرت موسی (ع) فقط در جهت آزادی مردم از چنگال شیاطین بیرونی همچون فرعونیان تلاش نکرد، بلکه در جهت رهایی آنان از قید و بند نادانی و خرافه‌پرستی و نجات از پرستش معبودان دروغین نیز سنگ تمام گذاشت. از جمله کارهای او سوزاندن گوساله سامری است که قرآن کریم ماجرای آن را در سوره طه بیان کرده است. (طه، ۸۵-۹۸). بنا بر روایتی از امام علی (ع)، وقتی موسی به کوه طور رفت، سامری زیورهای بنی‌اسرائیل را جمع کرد و در قالبی به شکل گوساله ریخت، سامری به بنی‌اسرائیل گفت: «معبود شما و موسی همین است» (سیوطی ۱۴۰۴، ۴: ۳۰۵). موسی (ع) پس از بازگشت از کوه طور گوساله را سوزاند و خاکسترش را در دریا افکند. اما چون سامری سخاوتمند بود برای حفظ ارزش سخاوتمندی او را نکشت، بلکه او را محصور کرد. برخی نیز گفته‌اند که وی را بر مرضی نفرین کرد که کسی نتواند نزدیک او شود (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۴: ۲۸۲). نکات مهم رفتارهای موسی (ع) که از لحاظ الهیات عملی شایان توجه است بدین قرار است: (الف) پیش از سوزاندن گوساله، مردم را از ضعف‌ها و نقص‌های گوساله‌ای که به عنوان معبود پذیرفته بودند آگاه کرد (طه، ۸۹). (ب) آنها را توبیخ نمود که چرا از رسول باطنی (عقل) و رسول ظاهری (هارون (ع)) تبعیت نکردند (طه، ۹۰). (ج) با سوزاندن گوساله، مظهر شرک و خرافه‌پرستی را نابود کرد. (د) هرچند به خاطر ارج نهادن به صفت بخشندگی و سخاوت از کشتن سامری صرف‌نظر کرد، ولی با ممنوع‌الملاقات کردن وی، زمینه‌های تأثیرپذیری مردم از فتنه‌گری او را از بین برد.

۹. نتیجه‌گیری

مطالعه رفتارهای مذکور در داستان‌های یوسف (ع) و موسی (ع) نشان می‌دهد که آنها در همه شرایط -چه در شرایط سخت و طاقت‌فرسا مثل زندان و غربت، چه در دوران آسایش و قدرت- همواره در صدد کسب رضایت الهی بودند و سعی نمودند این هدف بزرگ را با اعمال خیرخواهانه حاصل نمایند. این اعمال گاهی شامل افراد محدود و خاصی می‌شود، مانند کمک به ناتوانان، مظلومان و نیازمندان، گاهی هم افراد کثیری از جامعه و حتی همه انسان‌ها را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. نتیجه مهم دیگر این است که آنها برای انجام این اعمال خیرخواهانه شیوه‌های متناسب با وضعیت اجتماع و شرایط روحی و روانی افراد اتخاذ می‌کردند و علاوه بر رفع نیازهای اصلی افراد جامعه به مسائل جانبی آنها مانند جوانب اخلاقی و تربیتی نیز توجه کافی می‌کردند. به همین جهت توانستند بهترین و

زیباترین ارتباطها را با مخاطبان خود برقرار نمایند تا بتوانند در پرتو این ارتباط صمیمانه بیشترین موفقیت را در جهت تبلیغ و ترویج دین الهی کسب نمایند.
با توجه به موفقیت‌های یوسف (ع) و موسی (ع) پیشنهاد می‌گردد که رفتارهای آنها و امثال آنها به عنوان الگویی مناسب برای توسعه و ترویج الهیات عملی مد نظر متألهان این شاخه از الهیات قرار گیرد، به ویژه از این جهت که هدف از اعمال و رفتار حاکمان کلیسا یا مساجد و کارهای خیر متدینان باید کمک و نجات مردم باشد، نه منافع شخصی و گروهی.

کتاب‌نامه

- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۷۸. *عیون اخبار الرضا (ع)*. تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۳۸۰. *کمال الدین و تمام النعمه*. ترجمه منصور پهلوان. قم: دار الحدیث.
- بابایی، حبیب‌الله. ۱۳۹۱. «درآمدی بر الهیات عملی و وظایف آن»، *آینه پژوهش* ۱۳۴: ۱۰۱-۱۰۷.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ ق. *البرهان فی تفسیر القرآن*. تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه موسسه البعثة. قم، تهران: بنیاد بعثت.
- سیوطی، جلال‌الدین. ۱۴۰۴ ق. *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۷۴. *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۶۰. *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. ترجمه و تحقیق رضا ستوده. تهران: فراهانی.
- طیب، سید عبدالحسین. ۱۳۷۸. *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. ۱۴۰۷ ق. *الکافی*. تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: الکتب الإسلامیه.
- گنابادی، حاج ملا سلطان محمد. ۱۳۷۲. *ترجمه بیان السعاده فی مقامات العباده*. ترجمه رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی. تهران: پیام نور.
- مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. ۱۳۷۱. *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.